ف
ه
ح

کتابخ[redacted]دس

اسم کتاب مقامع الفضل .... فارسی

مصنف / مؤلف .... محمد علی بن محمد باقر اصفهانی

خطی / چاپی نسخ و نستعلیق ۲۵ سطری

سال چاپ یا تحریر ۱۲۳۵ق عدد اوراق ۲۷۴

جزء کتب فقه .... شماره خصوصی ....

شماره عمومی ۱۱۲۷۹/ شماره قبض ....

واقف مرحوم شیخ محمد صالح علامه حائری تاریخ وقف مرداد / ۵۱

طول ۳۲ .... عرض ۲۰ .... شماره صفحات ....

بازبین شد
۱۳۵۳ خ

ج رفوگران ۵۹/۷/۱

بسم الله الرحمن الرحیم

احمده علی نواله مصلیا علی احمده وصحبه وآله **وبعد** چنین گوید مذنب قاصر محمد علی بن محمد باقر اصفهانی بهبهانی که چون کتاب مقامع الفضل که ناشی مع افقست بانار بخشش از جمله مؤلفات حقیر مشتمل بود بر جمی غفیر از مسائل شرعیه واحکام دینیه ومشتمل بعضی از مشکلات آیات ومعضلات روایات وروایات و الغاز ومعمیات وذکر نزری از لطایف عبارات وظرایف حکایات وقدر از فواید مختلفه وعواید غیر مؤلفه واستنباط واستخراج هر مسئله از آن عند الاحتیاج در کمال تعسر بود وبعضی از اخوان ایمانی وخلان روحانی از این بی بضاعة خواهش نمودکه از برای اعانت طلاب فهرستی از برای آن کتاب بنویسم لهذا شروع در نوشتن آن نمودم وبعد از تمهید مقدمه در مبانی وفواید غیر مرتب برکتب فقهیه ختم **کتاب** الطهارة وما یتبعه وحکم الاوانی والنجاسات **کتاب** الصلوة وما یناسبها من الدعاء والتلاوات **کتاب** الزکوة والخمس والصیام والاعتکاف والتعقیبات **کتاب** الحج والجهاد والامر بالمعروف والزیارات **کتاب** التجارات والکسب والدین والقرض والرهانات **کتاب** الصلح والشرکة والقسمة والمزارعة والمساقات والمضاربه والبضاعات **کتاب** الاجاره والجعاله والسبق والرمایه والودیعه والعاریه والضمان والحواله والکفاله والوکالت **کتاب** الوصیه والاقرار والعتق والتدبیر والکتابه والهبه والهدیه والوقف والصدقات **کتاب** النکاح والطلاق واللعان والایلاء والظهار والخلع والمبارات **کتاب** الحجر والنذر والعهد والیمین وانصاف المحاضر والطاعات **کتاب** المطاعم والمشارب والصید والذباحات **کتاب** الغصب والاتلاف واللقطه واحیاء الموات **کتاب** المیراث والقضاء

والافتاء والطلیل والشهادات **کتاب** الحدود والقصاص والدیات ومحل هر مسئله سؤالیست که هر شمر بعد از آن مرقوم می شود ودر رموز متشابهه احاد از مافوق بنقطه ممتاز میگردد مثل و مفردات متعدده بواو مکتوبه بغیر لون رموز از همدیگر جدا می شوند ودر اعداد مرکبه خواه منفصله باشد مثل که دو بیت وهفت بیت یا متصله مثل یب که دوازده بیت بر عکس مرات اعداد مقدم الوف بر مئات و آن بر عشرات و آن بر احاد بر نهج متعارف می باشد پس **غغقب** هزار وصد و هشتاد و دو است وچند بی نقطه باشد واز برای نام با تاریخ تحریر فهرست الکتاب بخاطر حقیر رسید ومن الله الاعانة والتکلان وبجهت مناسبت بسیاری از مسائل با بسیاری از مواضع ذکر آنها تکرار کرده **مقدمه** در مبادی وفواید غیر ملتمه از علم وکتاب ولغت وتاریخ وصرف ونحو ومنطق وحساب ولغز ومعمی وهیئت ونجوم وعروض وطب وحکمت وکلام ورجال وحل بعضی از آیات مشکله وروایات معضله واصول هر چند که بسیاری از مقدمات اجتهاد واز مسایل اصول دین واصول فقه بتقریب در کتاب مذکور میشود ان شاء الله تعالی عدد جمل اسم کتاب که مقامع الفضل است وتفسیر که اظهار رسیدن است واسم هر ابن خان گیلانی که علت غائیه تالیف است با عدد عنوانات مسایل وتاریخ تالیف که هزار دو صد و نود و دو است مطابق وموافقند در دیباچه وختم کتاب ترکیب بسم الله الرحمن الرحیم وباء استعانت ومصاحبت وکل امر ذی بال وظرف لغو ومستقر ولفظ اسم ولفظ جلاله عربیت یا غیر عربیت جامد یا مشتق ومبدا اشتقاق آن وخواص خطا وتالیفا ولفظا ومعنا وشتا الی غیر ذلک حاشیه **دیباجه** معانی حروف هجا ومعجم وحرفی نیست مگر آنکه نام خداست وخلق حروف برای اعانت برکتابت است وروز قیامت ارواح انبیا در جواب لمن الملک را گویند ولا اله الا الله کلمه اسلام واخلاص است وقرآن بهمان حروف است که جمیع عرب بآن متکلم اند وعلت ترکیب لام الف وتقابل و... انها بگفتن لالا ونحو آن شان بلفظ الو لو وقاتل عمرو وعلت ابی عجم در اوائل سنی بودند وتفضیل هر یک از فرقه عرب وعجم بر دیگری وتفسیر وتاویل اتقن توبه مثل حاشیه آن انفسیر الحمد والحین وانفع کتاب عربی وتسمیه تخذ منطع بر رواوف ولوم خلق واصحاب اکمه وشعیب وکیفیت منع حضرت عیسی والزام او معلم را وتوبیخ جاهل تفسیر الحمد ومعنی هاویه سعفص بدو صاد وصراط بسین وصاد است واز دیاد ومعانی باز دیاد مانی وخلاف در عربیت رحمن واخصاص آن ومبدا اشتقاق آن ومعنی آنکه حاشیه **دیباجه** تصحیف کلمن بکلمن واشکال در نو عیسی ومعنی کتاب وتغلیط جوهری وتعبیر کلمات حاشیه **ب** مراد از هر برقبو خلقت حوا

ومافی البیت است که هر یک ادعای ملکیت آن کند و معترف به ملکیت سابقه دیگری باشد
و این مسئله دیگر است و دخلی بما نحن فیه ندارد و مطلقا و اصلا و ایضا حکم زنان معارض بمثل آن
از جانب مردان بلکه بطریق اولی زیرا که حق تعالی اطاعت ایشان را بر زنان واجب ساخته
بلکه در بعضی اخبار اطاعت ایشان را بر طاعت خود مقدم داشته و بدون اذن ایشان را باطل
دانسته و در حدیث است که لو امرت ان یسجد احد لغیر الله لامرت المرأة ان تسجد
لزوجها اما با این چون شوهر دعوت عدم نبودن از زن خواهد بود باید بلا تامل بدهد طاعت
کند هر چند که از خودش باشد چه جای آنکه مال شوهر باشد که از برای التذاذ خود ساخته
و منظورش حفظ آبروی خود بوده پس چگونه زن آن را بمیدارد و بگوید چشم او بدشمن
آن شوهر میکند با این ضعیف مسکین از برای او نیست حیف نماید هم چنین است کلام بنت
بلزوم احسان و اکرام و وجوب اعزاز و احترام ابوین و صله ارحام خصوصا اولاد و اضفاء
و اخوان ایمان خلاصه امثال این اختلاطات مناسب مقام ظرافات یا خطابات نه مقام
احتجاج و استدلال و مناضله فحول ابطال با وجود آنکه اینها هم در باب مسکن و الاستمرار و نیز
بخادم و زاید بر نفقه یومیه روز طلاق در عقد رجعیه و مطلقا در موت و هم
چنین نسبت بغیر زوجه از عمودین جاری نیست زیرا که در امتاع بودن نفقه اقارب ظاهرا
خلافی نیست و جواب از معمر بکیت که اشاره شد قوله بی ظاهر است نیز ظاهر است که دخلی
بمدعا ندارد زیرا که بر فرض تسلیم آنکه شرعا از اجنبی نتوانند گرفت شاید نظر بآن باشد
که هر کس از آن هبه و هدیه نمی‌فهمد و ظاهر تنبیه رجوع در هبه برجوع و دفع برجوعت مطلق
رجوع دلالت میکند نه مثل محل نزاع که مشهور میان علماء مجدد امتاع است یا جواز ابدال
و استرداد حق آنکه بعضا از ملکین نیز بجواز استرداد قبل از انقضای مدت معرض و تصریح
نموده و این هذا من ذلک و این الثری من الافلاک قوله تصرف فما لکانه در اجنبی چنین است
و در زوجه نه این است بلکه مطلقا تصرف فما لکانه نمیکند مگر در مهر یا جهاز و مال خود
و هر گاه مستدل خواهد بر یکی از زنان ها گوید که تجربه کند و مضمون من جرب المجرب
مشاهده نماید قوله معمولیات میراث الحال بخواطر نارسیده که کسی بآن استدلال کرده باشد
قوله معلوم نیست همان اقرار بملکیت سابقه از برای انقلاب دعوی و تسلط زوج و در تنبیه
کافیست و احتیاج به بینه عادله نیست بلکه جواز رجوع قبل از انقضای مدت معرض و به اتفاق

واجماعیت

واجماعیت چنانکه محقق در باب طلاق فرموده و شهید ثانی تصریح بسویه موت یا طلاق فرموده
و قایل بفصل معلوم نیست پس حکم مستدل بعنوان عموم و اطلاق باطلست بالوفاق و لکن
زوجه منکر سبق ملک شود و کسی از زبان او اقراری نشنیده باشد لکن شهود عدول علم
بسبق ملک زوج داشته باشند و علم بخلاف آن و نقل از زوج از برای ایشان بهم نرسیده
باشد بنا بر مشهور و اعتقاد باستصحاب می نماید و شهادت علی حسب ولذا ایشان می شوند
لکن بعضی شرط کرده اند که اظهار مستند خود در ادای شهادت ننمایند و ظاهر آنست که اگر در شهادت
استناد باستصحاب جایز نباشد شهادت برای غیر معصوم بهم نرسد فالباب مطلقا ممکن
بر فرض پیدا نادری از قبیل وجود عنقا فلیفهم قوله بر نفی وجود و چنین چنین نیست بلکه
در محل نزاع زوجه یا ورثه او باید باعتراف خود عمل نماید و مال را از زوج یا ورثه وا گذارد
و هر گاه مدعی الیه باشد تسلط قسمت نفی العلم دارد قوله بجهت شهرت خلاف هر گاه ملاحظه
چنین اخبار مأوله یا مهجوره موجب اشکال گردد و حکمی از احکام نظریه خالی از اشکال
نگردد بلکه سرایت بجمیع ضروریات مذهب و ملت نیز کند کما لا یخفی و البلیة اذا عمت طابت
واذا بان المذهب المنصور من الصحیح و صار القول بالتملیک کرماد اشتدت به الریح
وقطع دابر الاوهام فی هذا المرام فالحمد لله علی الاتمام والصلوة علی خیر الانام وآله واصحابه
الغر الکرام ما اضاء ضیاء و اولی ظلام وقد تم بالخیر عن بعون الله عز وجل المجلد
الاول من الکتاب الموسوم بمقامع الفضل الملقب بصادر شد هدایتخان گیلانی المشتمل
علی مسائل کثیرة تنیف علی مائة الف غیر انها انحصرت فی عنوانات یسیرة توافق عدد سنی
تاریخ التالیف کجمل اسمه ولقبه و داعیه الخان المعظم المفخم المنیف لا زال محط الرحال
آمال الرجال المتکأ علی ارائک العز والاقبال المالک لنواصی الشوکة والاجلال دام الله
علیه انعامه و نضر بالسرور شهوده و اعوامه و بلغه ما تمنا ممعنا للسعادة دینه
و دنیاه علی ید مؤلفه محمد علی بن الباقر الاصفهانی الشهیر بالبهبهانی بلغه
الله منتهی الامال والامانی و ذلل له شموس معانی المعانی حامدا مصلیا مسلما منتصف
النصف الثانی تقریبا من الثلث الثالث من العشر العاشر من الثلث الثانی من الربع الثالث
من النصف الثانی من الخمس الاول من العشر العاشر من العشر الثانی من الالف الثانی من
الهجرة النبویة علی مهاجرها وآله واصحابه ما لا یحصی من تحیة تمة بالخیر العبد
الاقل کمترین خلق الله معصوم علی امید که ان شاء الله بخیر و سعادت مطالعه نماید

سنه ۱۲۳۵

هر که خواند دعا طمع دارم
زانکه من بنده گنه کارم